

سبک‌شناسی نحوی داستان «موسی و شبان»

مسیب شفیعی کیا، خدیجه بهرامی رهنما*، مریم یوزباشی، زهره نورایی نیا

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره دهم، دی ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۶، صص ۳۹-۲۱

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.7986>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: سبک‌شناسی نحوی، شاخه‌ای از سبک‌شناسی لایه‌ای است که ویژگیهای دستوری و ساختار جمله را در یک اثر ادبی مورد بررسی قرار میدهد. سبک‌شناسی نحوی، از ساختاری نظام‌مند برخوردار است که به بررسی پیوند فرم و محتوا و کشف سبک منحصر به فرد یک شاعر یا یک نویسنده که در پس اغراض کلامی پنهان است، میپردازد. در این رویکرد، سبک‌شناس از سطح واژگان فراتر میرود و به کشف زیباییهای ساختاری یک اثر دست مییابد.

روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، مسئله الگوهای نحوی، انحراف از زبان معیار و تشخیص سبکی مولانا را در داستان «موسی و شبان» مورد سبک‌شناسی نحوی قرار میدهد.

یافته‌ها: بندهای نشاندار، بسامد بیشتری در این داستان داشته است. اغلب جمله‌ها کوتاه هستند و جمله‌های مرکب نیز ساختار پیچیده‌ای ندارند. کوتاهی جمله‌ها، به بیان روایی و انتقال اندیشه سرعت بیشتری بخشیده است. سبک گسسته و هم‌پایه، بر خلاف سبک وابسته و متصل و تودرتو بسامد فراوانی دارد و ضرباهنگ بیشتری را در روایت داستان به وجود آورده است.

نتیجه‌گیری: پیوستارهای معنایی و دستوری باعث استحکام و انسجام متن شده است. وجه اخباری، بسامد فراوانی نسبت به دیگر انواع وجه در این داستان دارد. بنابراین ساختار نحوی جمله‌ها، در انتقال صریح اندیشه‌های عارفانه و عاشقانه مولانا مؤثر قلمداد شده‌اند.

تاریخ دریافت: ۲۰ تیر ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۲۲ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۱ مهر ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی نحوی، داستان موسی و شبان، نشاندار بودن بندها، وجه فعل، همپایگی نحوی

* نویسنده مسئول:

✉ Kh.bahramirahnama@iaui.ac.ir

☎ (۰۲۱ ۹۸۸۰۰۰۰۰۰۰۰)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Syntactic Stylistics of the Story of "Moses and the Shepherd"

M. Shafieikia, Kh. Bahrami Rahnama*, M. Yozbashi, Z. Noraeinia

Department of Persian Language and Literature, Yi.C., Shahr-e Ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 11 July 2025
Reviewed: 13 August 2025
Revised: 01 September 2025
Accepted: 13 October 2025

KEYWORDS

Syntactic stylistics, the story of Moses and the Shepherd, the markedness of clauses, the aspect of the verb, syntactic coherence

*Corresponding Author

✉ Kh.bahramirahnama@iau.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Syntactic stylistics is a branch of layered stylistics that examines the grammatical features and sentence structure in a literary work. Syntactic stylistics has a systematic structure that examines the connection between form and content and discovers the unique style of a poet or a writer that is hidden behind the verbal intentions. In this approach, the stylist goes beyond the level of vocabulary and achieves the discovery of the structural beauties of a work.

METHODOLOGY: This study, using a descriptive-analytical method, examines the issue of syntactic patterns, deviations from standard language, and stylistic individualization of Rumi in the story "Moses and the Shepherd" through syntactic stylistics.

FINDINGS: Marked clauses have a higher frequency in this story. Most sentences are short, and compound sentences do not have a complex structure. The shortness of sentences has accelerated the narrative expression and transmission of thought. Discrete and co-based style, unlike dependent, connected and nested style, has a high frequency and has created more rhythm in the story narration.

CONCLUSION: Semantic and grammatical connections have strengthened and integrated the text. The news aspect has a high frequency compared to other types of aspects in this story. Therefore, the syntactic structure of the sentences is considered effective in explicitly conveying Rumi's mystical and romantic thoughts.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.7986>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 24	 3	 0

مقدمه

سبک‌شناسی نحوی، یکی از زیرشاخه‌های سبک‌شناسی لایه‌ای است که با مطالعات زبان‌شناسی پیوند یافته است که هدف از آن، برجسته‌سازی ویژگی‌های زبانی یک متن است. در این رویکرد، ساختار نحوی و چگونگی چینش واژگان، تقدم و تأخر فعل‌ها و ارکان جمله نقش مهمی در انتقال مفاهیم و جلب توجه مخاطب دارد. ساختار نحوی یک متن، نشان می‌دهد که چگونه یک شاعر یا یک نویسنده از سطح قواعد عادی زبان فراتر رفته و با گزینشهای هنرمندانه و خلاقانه، خوانش جدیدی از متن و سبک شخصی را در داستان ایجاد کرده است.

داستان حضرت موسی(ع) و شبان از دفتر دوم مولوی، یکی از آثاری است که در آن میتوان به تبیین ساختار نحوی به کار رفته و اغراض کلامی مولانا پرداخت. سازه‌های نحوی به کار رفته در داستان، به بهترین وجه ممکن تقابل میان حضرت موسی(ع)، به عنوان یک متکلم تنزیه‌گرا و شبان، یک فرد عامی تشبیه‌گرا را به تصویر کشیده است. این داستان بخاطر گفت‌وگو محور بودنش، بستر مناسبی را جهت به‌کارگیری معنا و عرفان در خدمت به ساختار نحوی فراهم کرده است.

این داستان، علی‌رغم آنکه با مابقی داستانهای دیگر پیوستگی و انسجام دارد، در عین حال داستان کوتاه مستقلی نیز به شمار رفته است. داستان با بیان روایی و خبری آغاز شده است و در ادامه با گفت‌وگو میان موسی و شبان، فرشته وحی و موسی و سپس میان موسی و شبان ادامه یافته و در نهایت مولانا توانسته است، خواننده را به درک درستی از عشق به معبود و پرستش خداوند سوق دهد. از این رو درصدد هستیم تا با استفاده از مؤلفه‌های سبک‌شناسی نحوی، به تبیین جمله‌های نشاندار از بی‌نشان، جمله‌های کوتاه و بلند، وجه فعل، عوامل انسجام‌ساز متنی و ... در این داستان بپردازیم.

پرسش‌های تحقیق

- آیا چیدمان نشاندار جمله‌ها در داستان موسی و شبان بر نحو معیار غلبه دارد؟
- کدام وجه در داستان موسی و شبان، بسامد فراوانی نسبت به دیگر انواع وجه دارد؟
- چه عواملی در انسجام متنی داستان موسی و شبان، مؤثر واقع شده‌اند؟

هدف و ضرورت تحقیق

با توجه به اهمیت مثنوی معنوی مولانا، در ادبیات فارسی و تأثیر اندیشه‌های وی در ادبیات جهان، با بررسی سبک‌شناسی لایه‌ای در آثار وی، به‌ویژه داستان موسی و شبان میتوان ارتباط زبان و کلام را با عمق اندیشه شاعر نمایان ساخت. هدف از بررسی ساختار نحوی این داستان این است که دریابیم مولانا با برگزیدن واژگان و گزینش ساختار نحوی کلام و ارتباط آن با اندیشه خویش چگونه توانسته است مفاهیم عمیق عرفانی و اجتماعی را به زیبایی به خواننده منتقل سازد.

پیشینه تحقیق

در مورد سبک‌شناسی لایه‌ای، مقاله‌های فراوانی به رشته تحریر درآمده است که از آن میان میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- محمدی افشار، هوشنگ و شایان مهر، کبرا(۱۳۹۶) «سبک‌شناسی لایه‌ای مجموعه اشعار قیصر امین‌پور». یافته‌های تحقیق نشان میدهد که کاربرد واژگان محاوره‌ای، ترکیبهای تازه، عینی و حسی بودن واژگان و ساختمان ساده جمله‌ها از ویژگیهای برجسته زبانی قیصر امین‌پور است، به طوری که تبدیل به سبک شخصی او شده است.

- اسدی، سمیه و علیزاده، ناصر (۱۳۹۶) «ساختار نحوی معارف بهاء‌ولد بر اساس الگوی سبک‌شناسی لایه‌ای». نتایج تحقیق حاکی از آن است که چیدمان نحوی نامنظم، جابه‌جایی معنایی و کاربرد نقشهای دستوری مختلف مانند کاربرد صفت در معنای مصدر، پیوستن یای مصدری به مصدر، جمع بستن معدود به شیوه نحو عربی، کاربرد ادات استغراق «هر» با کلمه‌های جمع و ... در معارف بهاء‌ولد موجب متمایز شدن سبک او شده است.

- حمیدی، سیدجعفر و شهبازی، محمدرضا (۱۳۹۷) «سبک‌شناسی لایه‌ای رمان هستی از فرهاد حسن‌زاده». یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که برخی متغیرهای سبکی منجر به کشف جهان‌بینی و تبیین مسائل اجتماعی روز همانند جنگ، فقر و ... شده است و نیز، به‌کارگیری جمله‌ها با توجه به مخاطب‌شناسی باعث استقبال مخاطب نوجوان از این رمان و موفقیتش در عرصه‌های ملی و بین‌المللی شده است.

- اکبری، منوچهر و صادقی، عمران (۱۳۹۸) «سبک‌شناسی لایه‌ای داستان پرسه در خاک، احمد دهقانی». نتایج نشان می‌دهد که استفاده از واژه‌های نشان‌دار منفی‌نگر، کاربرد گسترده اصطلاحات نظامی، کلمه‌ها و عبارتهای عامیانه، حذف و جابه‌جایی ارکان جمله از ویژگیهای لایه زبانی او به شمار رفته است. از دیگر ویژگیهای سبکی دهقانی میتوان به توصیفهای شاعرانه که همراه با جان‌بخشی اشیاست، اشاره کرد. در سطح فکری، فضای داستانهای احمد دهقانی به شدت مردسالارانه است و در آثار او میتوان رگه‌هایی از طنز تلخ و نیشدار را با توجه به حوادث ناخوشایند در رمان مشاهده کرد.

- محسنی‌نیا، ناصر و علی‌نقی، حسین (۱۳۹۹) «سبک‌شناسی لایه آوایی اشعار کمال‌الدین اسماعیل و اثیر اومانی بر اساس سبک‌شناسی لایه‌ای». نتایج تحقیق نشانگر آن است که هر دو شاعر در لایه آوایی شعر خود به روانی وزن‌ها، ردیف‌پردازی، استفاده از آرایه‌های لفظی و معنوی و گاهی قافیه‌پردازی‌های خاص توجه ویژه نشان داده‌اند. - عرب‌عامری، فاطمه و همکاران (۱۴۰۰) «تحلیل و بررسی مقامات حمیدی با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای». یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ترادف در مقامات حمیدی برای اطناب متن و نشان دادن هنر نویسنده در استفاده از صنایع ادبی به کار گرفته شده است. در مقامات حمیدی، به دلیل طولانی بودن جمله‌ها، سبک متصل و تودرتو بر دیگر ویژگیهای نحوی غلبه دارد و بیشتر از جمله‌های معطوف استفاده شده است که نشان‌دهنده اطناب در متن است.

کوچک‌زاده، مقدسه و همکاران (۱۴۰۱) «سبک‌شناسی لایه‌ای تذکرةالاولیای عطار، در سه لایه واژگانی، نحوی و بلاغی». نتایج تحقیق نشان از آن دارد که در لایه نحوی چیدمان و پیوند جمله‌ها در کنار هم بر اساس هدف نویسنده از ذکر آن حکایت صورت می‌پذیرد و انتخاب وجه فعل، قید، حرف اضافه و پسوند نیز در راستای القای مفهوم و با توجه به ایدئولوژی نویسنده انجام میشود. در لایه بلاغی، تضاد، بیشترین بسامد را دارد. افکار و ایدئولوژی عطار در بررسی هر سه لایه، به صورت آشکارا و ضمنی قابل ارزیابی است.

مظفری‌ساغند، الهام و قائمی، فرزاد (۱۴۰۱) «تحلیل سبک‌شناختی نشاندارهای ایدئولوژیک در همایون‌نامه عبدالرزاق دنلی». بررسی سبکی نشان‌داری واژه‌های متن حاکی از آن است که تاریخ و مذهب و ارزش دینی منابع آن نه هدف اصلی شاعر که وسیله‌ای برای تبلیغ گفتمان حاکم در فضای درباری بوده که از وی حمایت میکرده است. نشان‌داری واژه‌های متن در سطوح معنایی و سبکی نشان داد، شاعر از واژه‌های محتوای ارزش ملی و اسطوره‌ای با نغی ارزش آنها در جهت تبلیغ ایدئولوژی دربار سود جسته است.

زرینی، علی و طاهری حمید (۱۴۰۱) «سبک‌شناسی لایه نحوی در داستان سمک عیار». نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ایجاز هنرمندانه، بسامد بالای فعل در جمله‌ها، فراوانی جمله‌های کوتاه، مستقل و هم‌پایه، تقدیم فعل و جابه‌جایی ارکان جمله به دلیل اغراض بلاغی، فراوانی فعل‌های کنشی و حرکتی و ایجاد صدای فعال، فعل‌های ساده و پیشوندی، بروز وجهیت در فعل جمله و غلبه وجه اخباری از ویژگی‌های سبک‌شناسی لایه نحوی در داستان سمک عیار است.

حسینی، صباح و همکاران (۱۴۰۲) «بررسی سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار عارف سنندجی». نتایج تحقیق بیانگر آن است که در لایه واژگانی، شاعر به خاطر تفکر صوفیانه از واژگان ذهنی و خانقاهی زیاد استفاده کرده است. در لایه آوایی، از زبان کردی و در لایه بلاغی از تشبیه و تلمیح بسیار زیاد استفاده کرده و شاعر با توجه به تفکر صوفیانه، از زبان رمزی و استعاره استفاده فراوان کرده است.

گودرزی، معصومه و تاج‌بخش، اسماعیل (۱۴۰۳) «سبک‌شناسی لایه‌ای دیوان منصف قاجار». نتایج تحقیق بیانگر آن است که ردیف در غزل‌ها و رباعی‌های او بیشتر از قصیده‌هاست. تشبیه مجمل مؤکد و استعاره، در اثر او پررنگ‌تر از دیگر صنایع ادبی است. اشعار او از لحاظ آوایی، اغلب متمایل به سبک خراسانی و از جنبه لغوی، پیرو سبک عراقی است.

سبزی، حسین و صادقی، محمود (۱۴۰۴) «تحلیل و بررسی سبکی نسخ خطی خطب با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای». یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که از نظر واژگانی با توجه به واقع‌گرا بودن متن مؤلف در مسیر انتقال مفاهیم خود، واژه را سمت و سویی نبخشیده و مخاطب را در درک معنی، دچار تأمل و اندیشه نکرده است. ترتیب چیدمان اجزای جمله‌ها، در این اثر بیانگر پیوستار ذهنی مؤلف و تداوم و توالی منطقی اندیشه و بیان است. درون‌مایه مسلط بر ذهن و تخیل مؤلف، «مرگ اندیشی» است.

با بررسی‌های به عمل آمده، تحقیقی منطبق با تحقیق حاضر یافت نشد.

روش و شیوه تحقیق

تحقیق حاضر، با روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی، داستان «موسی و شبان» را با استفاده از رویکرد «سبک‌شناسی نحوی» مورد بررسی قرار داده است. در ابتدا، بیتها گزینش شدند و سپس با استفاده از مؤلفه‌های سبک‌شناسی نحوی، شاهد مثالها مورد تحلیل قرار گرفتند.

چهارچوب نظری تحقیق

سبک

اصطلاح «سبک» در متون کهن فارسی به معنای شیوه، روش و اسلوب به کار رفته است، اما توجه به سبک به عنوان یک دانش مستقل ادبی با کتاب سبک‌شناسی ملک‌الشعرا بهار در ایران آغاز شده است. سبک در اصطلاح ادبیات عبارتست از «روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمه‌ها و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر کلمه‌ها. سبک به یک اثر ادبی، وجه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القاء میکند و آن نیز به‌نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت میباشد» (بهار، ۱۳۷۶: ۱۸).

سبک، طرز و شیوه خاص اندیشیدن و بازگو کردن است به‌گونه‌ای که طنین آوای خاصی را به مخاطب منتقل کند، در واقع، «سبک روش مشخص بیان مطلب است، یعنی گوینده به چه نحو خاص و مشخصی مطالب خود را ایراد کرده است و جهت درک این نحوه خاص بیان باید در انتخاب لغات، شکل جمله‌ها و اصطلاحها، صنایع ادبی، عروض و قافیه ... دقت شود» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۲).

در سبک‌شناسی نوین، داشتن دانش زبان‌شناسی و احاطه به ادبیات و زبان جایگاه مهمی دارد. «سبک‌شناسی ادبی کار زبان‌شناسان ادیب و ادبای زبان‌شناس است، زیرا سبک‌شناسی نخست بررسی لغت و دستور نیست، بلکه روش کاربرد آن‌هاست و دوم آنکه در زبان ادبی علاوه بر لغت و دستور، مسائل متعدد دیگری نیز هست» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۱).

سبک‌شناسی لایه‌ای

سبک‌شناسی در ایران، بیش‌تر بر پایه سبک‌شناسی ساختاری بوده است که در مقایسه با سبک‌شناسی لایه‌ای که بر زبان‌شناسی نوین استوار است، دچار کاستیهایی است که سبک‌شناسی لایه‌ای میتواند آنها را جبران کند. در سبک‌شناسی لایه‌ای متن در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، معنی‌شناختی و کاربردشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سبک‌شناسی لایه نحوی

سبک‌شناسی دانشی است که بنیان آن بر زبان‌شناسی قرار دارد و در عین حال با دانشهای دیگر نیز در ارتباط است. «تاکنون دو دیدگاه متقابل تزئینی و ارگانیک در باب سبک مطرح بوده است. دیدگاه نخست چنین می‌انگارد که معانی، نخست بر زبان می‌آید، سپس با سبک آراسته میشود. دیدگاه دوم، اندیشه و سبک را با هم مقارن و هم‌بوده میداند و این هر دو را پشت و روی یک سکه می‌شمارد. از این دیدگاه، ساخت زبان، ساخت اندیشه را شکل میدهد؛ یعنی مثلاً نحوه ترکیب اجزای جمله‌ها و نوع روابط آنها با یکدیگر در شکلگیری معانی نقش عمده‌ای دارند. اگر دیدگاه نخست را بپذیریم و نقش سبک را تا حد تزئین‌کننده اندیشه تنزل دهیم، دیگر جایی برای پیوند سبک با اندیشه باقی نمی‌ماند؛ ولی اگر رابطه سازمند میان سبک و اندیشه را بپذیریم و نحو را سازنده اندیشه و حامل آن بدانیم، در این صورت میان ساختارهای نحوی جمله‌ها با نوع سبک پیوند استواری وجود دارد. بر پایه دیدگاه دوم بررسی مقوله‌های نحوی در سبک‌پژوهی، اهمیت بسیار یافته است و کشف پیوند میان ساختارهای نحوی و معنای سخن، بخشی از بررسیهای سبک‌شناختی را در برمیگیرد و به بررسی مسائلی از این دست می‌پردازد:

- کیفیت نظم واژه‌ها در جمله (نسبت نظم پایه و جابه‌جایی در ساختار نحوی)

- ساختمان جمله‌ها (ساده، مرکب، پیچیده، پیچیده مرکب)

- طول جمله‌ها (بلندی و کوتاهی)

- پیوستار بلاغی جمله‌ها (همپایگی، وابستگی، استقلال، تناوب، توازن، تقابل و تضاد)

- وجهیت «(فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۸).

تحلیل داده‌ها

چیدمان طبیعی در جمله (نحو معیار)

چیدمان طبیعی در جمله یعنی سخن مطابق با نرم و معیار آن زبان پیش برود و جابه‌جایی ارکان در آن صورت نگرفته باشد و بتوان جمله را در فرمول خاص معیار آن زبان جایگزینی کرد. برای مثال ساخت جمله ساده فارسی بر اساس نهاد (فاعل) + مفعول + فعل نهاده شده است، اگر ارکان جابه‌جا شود و فعل ابتدا و مقدم بر نهاد (فاعل) شود، آن جمله ساخت طبیعی خود را از دست داده است. «وقتی کلام بر مدار نحو طبیعی زبان حرکت کند، در واقع دیدگاه گوینده درباره موضوع خنثی و طبیعی است؛ ولی همین که یکی از عناصر جمله از جایگاه طبیعی خود جابجا شود، در واقع موقعیت آن عنصر در نگاه گوینده تغییر کرده است. ساخت نحوی یک گزاره و کیفیت نظم واژه‌ها در جمله نسبت میان ایده ما و پدیده‌ها را تعیین میکند. هر نوع نظم از یک گروه واژه‌ها، حامل معنای

متفاوت است؛ یعنی تغییر نظم واژگان، کاربردهای معنایی کاملاً متفاوتی به بار می‌آورد. هر واژه‌ای که از جایگاه نحوی خود به جای دیگری در جمله منتقل شود، موقعیت معنایی‌اش ارتقا یا تنزل پیدا میکند. تغییر نظم کلام رتبه عناصر زبان را ارتقا و تنزل میدهد. معمولاً یک عنصر زبانی که در آغاز جمله قرار گیرد، جایگاه آن والا تر میشود و مورد تأکید قرار میگیرد. مطالعات نحوی نشان میدهد که یک واحد معنایی چقدر میتواند در ساختهای نحوی مشابه، متحول و متفاوت شود» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۲). نحو معیار از ساختار عادی زبان فارسی تبعیت میکند. «در این گونه بندها، ساختار جمله از فاعل + مفعول + فعل تشکیل یافته است و هدف شاعر یا نویسنده از به کار بردن آن، انتقال سریع مفاهیم و اطلاعات است» (بهرامی رهنما، ۱۴۰۲: ۱۸۹).

در شاهد مثال‌های زیر و در مصرع‌های اول، مولانا از زبان معیار فاعل + متمم + فعل برای بیان اغراض کلامی خویش استفاده کرده است.

تو، برای وصل کردن آمدی یا خود از بهر بریدن آمدی
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۵۰)

تو، ز سرمستان قلاووزی مجو جامه چاکان را چه فرمایی رفو
(همان: ۱۷۶۹)

چیدمان نشاندار

خروج از زبان معیار، یکی از مؤلفه‌های سبک‌شناسی نحوی است که منجر به تشخیص سبکی یک شاعر یا نویسنده میشود. «برای تعیین ویژگیهای نحوی سبک یک نویسنده باید میزان خروج وی از نحو معیار و پایه تبیین شود. نحو معیار شکل عادی قرارگرفتن اجزای جمله در هر زبان است که خنثی و بدون برجستگی است. بنابراین از طریق آن به نکته‌ای درباره ذهن و اندیشه نویسنده نمیتوان پی برد؛ اما اگر جایگاه یکی از اجزای جمله نسبت به صورت طبیعی آن، نحو معیار، تغییر کند، از آن در جایگاه نقطه‌ای برای تأمل سبک‌شناسی میتوان بهره برد، زیرا بر مبنای نظریه تقارن سبک و اندیشه، این دو موضوع همواره در کنار هم قرار دارند و رابطه‌ای دوسویه میان آنها برقرار است» (اسدی و علی‌زاده، ۱۳۹۶: ۵).

در دانش سبک‌شناسی، تعیین میزان کاربرد نحو معیار و نحو خارج از معیار بسیار اهمیت دارد. «نحوشناسان امروزی، در برابر نظم پایه یا نحو معیار، «نظم نشاندار» را مطرح میکنند. اگر در یک متن، نظم عادی نحو به خاطر تأکید بر بخشی از کلام تغییر کند و ساختاری غیرمتداول، نامعمول و متفاوت با نظم پایه داشته باشد، نشان و تشخیص خاصی خواهد یافت ... شناخت ساختارهای نحوی پایه در هر دوره یا متن و توصیف نحوه‌های شخصی یا دوره‌ای، نتایج دقیق و روشنگری برای محققان زبان‌شناسی تاریخی فراهم میکند. کشف ساخت نحو پایه در یک متن ما را در بازشناسی نحو شخصی مؤلف کمک میکند. بخشی از فردیت مؤلف از طریق کشف نحو شخصی و صدای دستوری متن، قابل‌شناسایی است؛ یعنی سبک شخصی گاه جوهر خود را از تفاوت نحو گوینده با ساخت نحو معیار حاصل میکند. به بیانی دیگر، تغییر نظم نحوی و استفاده از ساختهای نحوی خاص، میتواند ناشی از نوع نگرش و دیدگاه خاص نویسنده باشد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۵). خروج از زبان معیار در نظم بیش از نثر روی میدهد. «بندهایی که برخلاف زبان معیار هستند، گاهی بنا بر ضرورت وزن شعری و گاه از حیث علم بلاغت، ساختار معیار را ندارند و با تقدّم فعل، مفعول، صفت، قید و ... در جایگاه مبتدا هستند. قلب نحوی، در شکلگیری تقدّم هریک از ارکان بند و قرار گرفتن در جایگاه نهاد، نقش بسزایی ایفا میکند» (بهرامی رهنما، ۱۴۰۲: ۱۸۹).

در شاهد مثال‌های زیر و در مصرع‌های اول، مولانا با جابه‌جایی ارکان جمله و با حرکت دادن فعل از پایان جمله به ابتدای جمله، درصدد تأکید و برجسته‌سازی فعل بوده است.

دید موسی، یک شبانی را به راه کو همی گفت: ای گزیننده اله
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۲۰)

گفت با آن کس که ما را آفرید این زمین و چرخ از او آمد پدید
گفت موسی‌های بس مدبر شدی خود مسلمان ناشده کافر شدی
(همان: ۱۷۲۷-۱۷۲۶)

با بررسی‌های به عمل آمده، اغلب بندها از ساخت نشاندار برخوردار هستند.

سبک و ساختمان جمله‌ها

توجه به ساختار دستوری جمله‌ها و تأویلهای نحوی برای درک و دریافت هدف خواننده بسیار حائز اهمیت است، زیرا «ساختمان نحوی جمله، در شکلگیری سبک، نقش مهمی بر عهده دارد. میانگین واژه‌ها در جمله، کوتاهی و بلندی جمله‌ها، روابط جمله‌ها با هم، سادگی و پیچیدگی، هم‌پایگی و وابستگی آنها، تنوع‌های سبکی را پدید می‌آورند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۵).

طول جمله‌ها

یکی از مؤلفه‌های سبک‌شناسی نحوی، بررسی کوتاهی و بلندی جمله‌ها و میزان واژگان است که میتواند نشانگر سادگی و صراحت کلام گوینده یا پیچیدگی و کندی سخن باشد. «جمله بلندترین واحد سازمانی در نحو است و اگر هر ساخت نحوی شکلی از یک واحد اندیشه باشد، میتوان از رهگذر بررسی بلندی و کوتاهی جمله‌ها، ساخت اندیشه و سبک و حالت روحی گوینده را تحلیل کرد؛ چرا که طول جمله نسبتی با میزان درنگ و تأمل گوینده در یک واحد فکری دارد. بررسی میانگین واژه‌ها در جمله، ارزش سبک‌شناسی خاصی دارد. فراوانی جمله‌های کوتاه و منقطع در سخن، باعث شتاب سبک، سرعت اندیشه و هیجان‌انگیزی میشود و برعکس فراوانی جمله‌های بلند، سبک آرام را رقم می‌زند و جمله‌های مرکب تودرتوی پیچیده، حرکت سبک را کند میکند» (همان: ۲۷۵). مهم‌ترین کارکرد جمله انتقال پیام به مخاطب است. «در جملات کوتاه، اهمیت خبر زیاد، صراحت بیان بیشتر و معنا، آشکارتر و عریانتر است. همچنین جمله‌های کوتاه بر تمرکز مخاطب در درک بهتر معنا بسیار مؤثر است. جمله‌های کوتاه، چون آویزه‌های کمتری دارند، تمرکز معنای مندرج در نحو را بیشتر و حواشی را حذف میکنند» (زرینی و طاهری، ۱۴۰۱: ۲۹۶).

در شاهد مثال‌های زیر، مولانا با استفاده از کوتاهی جمله‌ها، ضریاهنگ تندتری را در متن ایجاد کرده و نیز، سادگی، خلوص و فقدان هرگونه تکلف فکری را در شبان به تصویر کشیده است. اغلب جمله‌های کوتاه، مستقیم و بی‌واسطه بیان شده است.

جامه‌ات شویم، شپش‌هایت کشم شیر پیشت آورم ای محتشم
دستکت بوسم، بمالم پایکت وقت خواب آید، برویم جایکت

(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۲۴-۱۷۲۳)

جامه را بدردید و آهی کرد و تفت سر نهاد اندر بیابان و برفت
(همان: ۱۷۴۹)

در شاهد مثال زیر، مولانا با استفاده از جمله‌های کوتاه، توییخ، سرزنش و ملامت شبان توسط حضرت موسی (ع) را در متن آشکار کرده است. همچنین، جمله‌های کوتاه بیانگر خشم و قطعیت کلام توسط حضرت موسی (ع) به عنوان نماینده شریعت است.

این چه ژاژست و چه کفرست و فشار پنبه‌ای اندر دهان خود فشار
(همان: ۱۷۲۸)

جمله‌های بلند در این داستان، علاوه بر ایجاد ضرباهنگ آرام‌تر در داستان، بستری را برای اندیشه و درک مفاهیم پیچیده فراهم کرده است. مولانا، از جمله‌های بلند برای درک مفاهیم عمیق عرفانی و جریان سیال فکر استفاده کرده است. جمله‌های بلند، برخلاف دیدگاه محدود و قضاوتگر حضرت موسی (ع)، به رحمت الهی که فراگیر و شامل تمامی موجودات است، اشاره دارد.

بعد از آن در سر موسی حق نهفت رازهایی کان نمی‌آید به‌گفت
بر دل موسی سخنها ریختند دیدن و گفتن بهم آمیختند...
بعد از این گر شرح گویم ابله‌یست زآنک شرح این ورای آگهیست
ور بگویم، عقلها را برکند ور نویسم، بس قلمها بشکند
چونک موسی این عتاب از حق شنید در بیابان درپی چوپان دوید
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۷۷-۱۷۲۷)

پیوند جمله‌ها

پیوند جمله‌ها، یکی از مؤلفه‌های مهم در سبک‌شناسی نحوی است که سبب به وجود آمدن سبک‌هایی چون «گسسته، هم‌پایه، وابسته و متصل و تو در تو» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۶-۲۷۸) در متن و ایجاد رابطه دستوری در میان جمله‌ها میشود.

سبک گسسته

سبک گسسته، به شیوه‌ای گفته میشود که در آن روایت به صورت ناپیوسته پیش میرود. «این سبک حامل گروهی از اندیشه‌های مستقل است که در جمله‌های کوتاه مقطع و مستقل بدون حرف ربط یا با حرف عطف واو، کنار هم قرار میگیرند. به عبارت دیگر در یک بندنوشت، گروهی از جمله‌های مستقل کوچکتر به طور متوالی، یکی پس از دیگری می‌آیند، هر جمله حامل یک اندیشه مستقل است و می‌توان آن‌ها را با نقطه از هم جدا کرد. این سبک بهترین شیوه برای روایت داستان است. جمله‌های مستقل و کوتاه داستان در این سبک کنار هم می‌آیند و به روند روایت و بیان اندیشه شتاب میبخشند» (همان: ۲۷۶).

مولانا، از سبک گسسته برای قطع و وصل روایت و بیان نکته‌های اخلاقی و عرفانی استفاده کرده و جمله‌های کوتاه، گاه با حذف به قرینه لفظی در ایجاد شتاب در روایت مؤثر واقع شده است.

ز آنک دل جوهر بود گفتن عرض پس طفیل آمد، عرض جوهر غرض
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۶۱)

ای معاف یفعل الله ما یشا بی‌محبا رو، زبان را برگشا
(همان: ۱۷۸۶)

سبک هم‌پایه

سبک هم‌پایه، به شکل‌های مختلف و با استفاده از حرف عطف «و» در سازه‌های نحوی ایجاد می‌شود. در این سبک، «گاه جمله‌های مستقل، هم‌پایه هستند و گاه با واو عطف به هم معطوف می‌شوند. وجود واو عطف در ساختار هم‌پایه شتاب سخن را زیاد و سبک را پویا می‌کند» (همان: ۲۷۷).

وجود حرف عطف «و»، سبب ایجاد ضرباهنگ تندتر و ایجاد جمله‌های مستقل هم‌پایه در روایت داستان شده است.

ما زبان را ننگریم و قال را ما درون را بنگریم و حال را
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۵۹)

هیچ آدابی و ترتیبی مجو هرچه می‌خواهد، دل تنگت بگو
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۵۴)

در حق او مدح و در حق تو ذم در حق او شهد و در حق تو سم
(همان: ۱۸۸۴)

سبک وابسته

سبک وابسته، «از نوع سبک‌های ترکیبی است که در آن جمله‌ها به هم وابسته‌اند و جمله‌های دو جزئی مرکب شرطی و بندهای پایه و پیرو، وابسته هم‌اند. در این سبک، جمله‌ها حامل اندیشه‌های وابسته به هم‌اند، به این صورت که سیاق نحوی، اندیشه‌ها را در ساختارهای مرکب از دو جمله وابسته پایه و پیرو قرار می‌دهد. در این جمله‌های مرکب بلند، محتوای بندها و جمله‌های کوچک‌تر (یا پایه با پیرو) با هم رابطه منطقی دارند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۸).

گر نبندی، زین سخن تو خلق را آتشی آید بسوزد، خلق را
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۳۱)

گر همی دانی که یزدان داور است ژاژ و گستاخی تو را چون باورست
(همان: ۱۷۳۳)

سبک متصل و تودرتو

«گاه متن دارای جمله‌های مرکب بسیار طولانی و متشکل از چند بند و جمله‌واره است که ساخت نحوی تودرتو و پیچیده‌ای دارد، مثلاً در یک بندنوشت، چند جمله با حروف ربط علی و معلولی، شرطی، زمانی و نحوی به هم مرتبط‌اند. دو جمله ممکن است علت و معلول هم باشند، یا شرط و جواب شرط که تحقق یکی مشروط به دیگری باشد. انسجام بلاغی سبک در حقیقت، حاصل رابطه میان واحدهای اندیشه است نه میان واحدهای دستوری. عوامل پیوندی، گروهی از جمله‌ها را با هم پیوند می‌دهند که رابطه منطقی و نظم زمانی و مکانی دارند. این عوامل عبارتند از: حرف ربط، عبارت ربطی، حذف به قرینه، ارجاع، رابطه واژگانی مثل مترادف‌ها و متضادها» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۸).

شاهد مثال زیر، بر رابطه علی و معلولی تأکید دارد؛ چونک: حرف ربط پیونددهنده است، علت: شنیدن عتاب از سوی خداوند و معلول: دویدن حضرت موسی (ع) به دنبال چوپان برای عذرخواهی و رفع کدورت است.

چونک موسی این عتاب از حق شنید در بیابان درپی چوپان دوید
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۷۷)

پیوستار بلاغی جمله‌ها (انسجام نحوی)

پیوند و انسجام کلام شاعر در پیوستگی و اتصال و هماهنگی جمله‌ها با یکدیگر معنا می‌یابد و از نظر نحوی شایان توجه است. «انسجام اجزای شعر، از جمله مسائلی است که وحدت ارگانیک را پدید می‌آورد. یکپارچگی متن شعری، محصول عوامل مختلفی است که در این میان، ساختارهای هم‌پایه نقش مهمی در آن ایفا میکنند؛ به عبارت دیگر وجه ادبی متن شعری حاصل هم‌پایگی نحوی است» (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۷). «مهمترین ساختارهای دستوری در انسجام متن عبارت‌اند از ارجاع، حذف، پیوندهای واژگانی (مانند تکرار، ترادف، مراعات‌النظیر، تضاد) و تمهیدات پیوندی (مانند حروف ربط، شرط، علیت)، جمله‌های متن با حضور این عناصر با هم پیوند می‌خورند و پیوستار متنی استحکام می‌یابد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۰).

ارجاع

گاهی درک معنای یک واژه با مراجعه به قبل یا بعد آن متن و گاهی حتی متن دیگری ممکن میشود. «برای روشن شدن مفهوم متن و بافت و در پی آن انسجام، درک روابط ارجاعی در متن بسیار مهم است، چون در متن باید به دنبال عواملی بود که به آنچه در قبل یا بعد آمده است، ارجاع دهند. اگر مرجع در درون متن باشد، به آن ارجاع درون‌متنی گفته میشود و اگر مرجع در بیرون از متن قرار گیرد و تنها با توجه به موقعیت خارجی شناسایی شود، آن را ارجاع برون‌متنی می‌نامند. ارجاع برون‌متنی، بدون بافت برون‌زبانی قابل تفسیر نیست و از این جهت فاقد انسجام‌بخشی است» (اثنی‌عشری و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۰).

دید موسی، یک شبانی را به راه کو همی گفت: ای گزیننده اله...
عاقبت دریافت او را و بدید گفت: مژده ده که دستوری رسید
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۸۳ و ۱۷۲۰)

در ارجاع درون‌متنی، مرجع ضمیر، قبل از ضمیر قرار می‌گیرد. در شاهد مثل بالا، «شبان» مرجع ضمیر و «او»، ضمیر است و ارجاع درون‌متنی به ماقبل، به شمار میرود.

وحی آمد سوی موسی از خدا بنده ما را ز ما کردی جدا
(همان: ۱۷۵۰)

در شاهد مثال بالا، «خدا»، مرجع ضمیر و «او»، ضمیر است و ارجاعی درون‌متنی به ماقبل است.

هدف مولانا، از به کار بردن این گونه ارجاعها، تأکید و برجسته‌سازی مرجع ضمیر بوده است.

بعد از این، گر شرح گویم ابله‌یست زآنک شرح این و رای آگهیست
(همان: ۱۷۷۵)

در شاهد مثال بالا، مرجع ضمیر اشاره «این»، در خارج از متن قرار دارد و ارجاعی برون‌متنی است.

حذف

حذف نوعی گریز از هنجار عادی کلام است و ممکن است در مورد ارکان مختلف جمله روی دهد. «منظور از این نوع انسجام، حذف بخشی از متن در قیاس با جمله‌های پیشین است. وجود قرینه عناصر قبلی در حذف، امری ضروری است تا مخاطب دچار سردرگمی نشود. در حذف بی‌قرینه نیز دلالت به کمک قراین حالی و مقالی از یکدیگر بازشناخته میشود» (بهرامی رهنما، ۱۴۰۳: ۲۶).

ما زبان را ننگریم و قال را ما درون را بنگریم و حال را
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۵۹)

در شاهد مثال بالا، فعل «ننگریم» از مصرع اول و فعل «بنگریم»، از مصرع دوم به قرینه لفظی حذف شده است. من نگردم پاک از تسبیحشان پاک هم ایشان شوند و درفشان (مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۵۸)

در شاهد مثال بالا، فعل «شوند»، از مصرع دوم به قرینه لفظی حذف شده است.

پیوندهای واژگانی

پیوندهای واژگانی، یکی از مؤلفه‌های مهم در سبک‌شناسی نحوی است و نقش بسزایی در ایجاد انسجام متنی دارند. از عوامل انسجام‌ساز متنی میتوان به تکرار، هم‌معنایی، تضاد معنایی و مراعات‌النظیر اشاره کرد.

۲. ۳. ۴. ۱. تکرار

تکرار، ابزاری بلاغی است و به معنی «از سرگیری عنصری است که یک بار در متن پدید آمده است» (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۵۵). هدف مولانا از به کار بردن مؤلفه تکرار، تقویت موسیقی درونی شعر و برجسته‌سازی اقسام کلمه در متن است.

ای فدای تو همه بزهای من	ای به یادت هی‌هی و هیهای من
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۲۴)	
در درون کعبه رسم قبله نیست	چه غم از غواص را پاچیلہ نیست
(همان: ۱۷۶۸)	
آتشی گر نآمدست این دود چیست؟	جان سیه گشته، روان مردود چیست؟
(همان: ۱۷۳۲)	
چند از این الفاظ و اضمار و مجاز	سوز خواهم سوز با آن سوز ساز
(همان: ۱۷۶۲)	
هان و هان گر حمد گویی گر سپاس	همچو نافرجام آن چوپان شناس
(همان: ۱۷۹۴)	

هم‌معنایی

هم‌معنایی، یکی از عوامل مؤثر در پیوستگی و انسجام میان روابط معنایی در متن است. «در این رابطه، چند واحد واژگانی معنای اندیشگانی کمابیش واحدی دارند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۶۴). مولانا، از این مؤلفه در جهت تأکید، تقویت و غنای داستان استفاده کرده است.

این چه ژاژست و چه کفرست و فشار	پنبه‌ای اندر دهان خود فشار
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۲۸)	
روی واپس کردنش آن حرص و آز	روی در ره کردنش صدق و نیاز
(همان: ۱۸۱۱)	
بعد از آن در سرّ موسی حق نهفت	رازهایی کان نمی‌آید به‌گفت
(همان: ۱۷۷۱)	

تضاد معنایی

این مؤلفه، زمانی به کار گرفته میشود که در آن واژه‌ها، در تقابل معنایی بایکدیگر قرار میگیرند.

در حق او مدح و در حق تو ذم	در حق او شهد و در حق تو سم
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۵۴)	
محرم ناسوت ما لاهوت باد	آفرین بر دست و بر بازوت باد
(همان: ۱۷۹۰)	
کای سجدوم چون وجودم ناسزا	مر بدی را تو نکویی ده جزا
(همان: ۱۸۰۲)	
یک قدم چون رخ ز بالا تا نشیب	یک قدم چون پیل رفته بر وریب
(همان: ۱۷۸۰)	

مراعات النظیر

مراعات‌النظیر، یکی دیگر از مؤلفه‌های انسجام‌ساز متنی است که در آن چند واژه، در یک بیت یا عبارت کنار یکدیگر قرار میگیرند تا هماهنگی و زیبایی را در متن ایجاد کنند. این واژه‌ها، از یک حوزه معنایی مشترک هستند. دست و پا در حق ما استایش است در حق پاکی حق آرایش است (همان: ۱۷۴۴)

از وجود او گل و میوه نرست جز فساد جمله پاکیها نجست (همان: ۱۸۰۶)

۲.۴.۴. انسجام پیوندی

ادات ربط، با ایجاد جمله‌های متوالی و پیوند با یکدیگر موجب انسجام متنی میشوند. ادات ربط، دربردارنده نگرشهای یک شاعر یا نویسنده است و به وسیله آن میتوان یک متن را تفسیر و تأویل کرد. در شاهد مثالهای زیر، ادات ربط «تا»، «بلک» و حرف عطف «واو»، حلقه اتصال بندها هستند و در ایجاد روابط معنایی نقش بسزایی دارند.

من نکردم امر تا سودی کنم	بلک تا بر بندگان جودی کنم
(همان: ۱۷۵۱)	
این زمین از حلم حق دارد اثر	تا نجاست برد و گلها داد بر
(همان: ۱۸۰۳)	
جامه را بدردید و آهی کرد و تفت	سر نهاد اندر بیابان و برفت
(همان: ۱۷۴۹)	

مولانا، برای انسجام پیوندی، از حروف ربط مزدوج نیز که دارای مفهوم تساوی هستند، در این داستان استفاده کرده است. در بیتهای زیر، «چه ... چه» و «گاه ... گاه» حروف ربط مزدوج هستند.

این چه ژاژست و چه کفرست و فشار	پنبه‌ای اندر دهان خود فشار
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۲۸)	
گاه چون موجی برافروزان علم	گاه چون ماهی روانه بر شکم
(همان: ۱۷۸۱)	

وجهیت

وجه فعل، بیانگر طرز نگرش و جهان‌بینی یک شاعر یا یک نویسنده در سازه‌های نحوی است که «تلقی‌گوینده یا نویسنده از جمله یعنی مسلّم و نامسلّم بودن یا امری بودن و نبودن فعل را نشان می‌دهد. در زبان فارسی امروز، سه وجه اصلی اخباری، التزامی و امری وجود دارد» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۵۳).

وجه اخباری

در وجه اخباری انجام یا عدم انجام کاری بیان می‌شود. نویسنده با کاربرد وجه اخباری نشان می‌دهد که تردیدی در مورد خبر جمله ندارد.

دید موسی یک شبانی را به راه کو همی گفت: ای گزیننده اله
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۲۰)
وحی آمد سوی موسی از خدا بنده ما را ز ما کردی جدا
(همان: ۱۷۵۰)

وجه التزامی

هنگامی فعل در وجه التزامی، به کار گرفته می‌شود که «وقوع آن به صورت الزام، تردید، آرزو، توصیه، شرط، دعا و میل مطرح شود» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۵۴).

در سجودت کاش رو گردانی معنی سبحان ربی دانایی
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۸۰۱)
کاش از خاکی سفر نگزیدمی همچو خاکی دانه‌ای می‌چیدمی
(همان: ۱۸۰۸)
گر خطا گوید، ورا خاطی مگو ور بود پر خون شهیدان را مشو
(همان: ۱۷۶۶)
گر نبندی زین سخن تو خلق را آتشی آید بسوزد خلق را
(همان: ۱۷۳۱)

وجه امری

این وجه، بر انجام دادن و انجام ندادن کاری دلالت دارد.

آتشی از عشق در جان برفروز سر به سر فکر و عبارت را بسوز
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۶۳)
هیچ آدابی و ترتیبی مجو هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو
(همان: ۱۷۸۴)

زمان

زمان یکی دیگر از مؤلفه‌های سبک‌شناسی نحوی است که «در جمله نشان‌دهنده میزان فاصله گوینده یا نویسنده با موضوع است. میدانیم که تغییر فاصله گوینده با واقعیت، زاویه دید و ذهنیت وی را تغییر می‌دهد. از این رو عامل زمان، متغیر مهمی در میزان واقع‌گرایی متن و شیوه نگاه مؤلف به امور به شمار می‌رود، مثلاً فعل مضارع ارتباط فوری و بی‌واسطه با واقعیت دارد، زمان حال بیش‌تر از گذشته، قطعیت دارد و ساخت‌های مختلف گذشته نیز به همان نسبت که از حال فاصله می‌گیرد، فاصله گوینده و دیدگاه وی را بیش‌تر می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۱).

در مورد روایت‌های کهن دیگر نمیتوان زمان فاصله گوینده و نویسنده را با موضوع به عنوان نشان واقع‌گرایی لحاظ کرد و نمیتوان گفت کاربرد فعل زمان گذشته فاصله گوینده و دیدگاه وی را با موضوع بیشتر میکند، بلکه شاعر حکایتی از دوران بسیار کهن را بیان میکند تا بر اساس آن و به جهت تمثیلی بودن آن روایت، برداشتهای کنونی زمان حال خود را تبیین نماید.

با بررسیهای انجام شده، از میان سه فعل گذشته، حال و آینده، «فعل‌های گذشته»، بسامد بیشتری در این داستان دارند.

هر	کسی	را	سیرتی	بنهاده‌ام	هر	کسی	را	اصطلاحی	داده‌ام
(مولوی، مثنوی معنوی: ۱۷۵۳)									
من	ز	سدره	منتهی	بگذشته‌ام	صد	هزاران	ساله	ز آن	سو رفته‌ام
(همان: ۱۷۸۷)									

نتیجه‌گیری

داستان موسی و شبان از داستانهای جذاب عارفانه دفتر دوم مثنوی معنوی است که با بیانی ساده و زیبا رابطه عاشقانه خداوند و بنده را بیان کرده است. در بررسی ساختار نحوی این داستان که به منظور تبیین روابط کلامی و نحوی و بیان ارتباط میان نحو و معنا صورت گرفته است، میتوان به نتایج زیر اشاره کرد:

با بررسیهای انجام شده، بیش از نیمی از جمله‌های این داستان نشاندار هستند و علاوه بر زبان شعری که موجب جابجایی ارکان جمله میشود، مولوی نیز می‌خواسته تا با خروج از زبان معیار باعث جلب توجه بیشتر مخاطب گردد.

در داستان موسی و شبان، اغلب جمله‌ها کوتاه هستند و مولوی با جمله‌های کوتاه اندیشه خود را به سرعت بیان کرده است. فزونی جمله‌های کوتاه نشانگر شتاب در نقل داستان و سرعت تبادل اندیشه است. جمله‌های مرکب داستان نیز ساختاری پیچیده و تودرتو ندارند.

پیوستار معنایی و دستوری در این داستان، به خوبی با یکدیگر سازگاری یافته و متنی ساده و روان به دست داده است. برخی واژگان به جهت ساختار منظوم داستان جابجا شده و چیدمان نشاندار یافته‌اند، اما انسجام متن به خوبی حفظ شده است. برخی واژگان حذف به قرینه لفظی یا معنوی شده‌اند و حروف ربط و شرط و عطف به درستی در جای خود به کار رفته و باعث انسجام معنایی و دستوری شده است.

سبک گسسته و هم‌پایه در متن بسامد بالایی دارد و سبک وابسته و متصل بسامد کمتری دارد. از میان انواع وجه فعل، «وجه اخباری» بسامد بالاتری نسبت به دیگر انواع وجه دارد که بیانگر ارتباط نزدیک گوینده با وقایع داستان است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری استخراج شده است. سرکار خانم خدیجه بهرامی رهنما راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای مسیب شفیعی کیا بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر مریم یوزباشی و سرکار خانم دکتر زهره نورایی نیا به عنوان استادان مشاور

در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش مشارکت داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از مدیر گروه رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری و اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Eshni-Ashari-Kahnnooji, Fahimeh; Rakhshani, Anis; and Salimnejad, Parisa.. (2020). "A Study of Linguistic Coherence (Reference, Deletion and Replacement) Based on Halliday and Roqeeh Hassan's Theory in Gholam-Hossein Saedi's Story of Ashgal-Doni", 10th National Conference on Persian Language and Literature Research, pp. 65-57. [In Persian]
- Asadi, Somayeh and Alizadeh, Naser. (2017). "The Syntactic Structure of Baha'u'llad's Teachings, Based on the Layered Stylistic Model", Persian Literature Textology, Vol. 4 (Continuous Issue 36), pp. 21-1. [In Persian]
- Akbari, Manouchehr and Sadeghi, Omran. (2019). "Layered Stylistics of the Story "Perse in Strange Land" by Ahmad Dehghani", Patader Paydar, Vol. 21, pp. 54-27. [In Persian]
- Alborzi, Parviz. (2007). Fundamentals of Text Linguistics, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Bahar, Mohammad Taqi. (1997). Stylistics (History of the Development of Persian Prose), Tehran: Zavar. [In Persian]
- Bahrami Rahnema, Khadija. (2023). "A Basic Structure in Mantiq al-Tayr", Grammatical and Rhetorical Studies, Vol. 23, pp. 203-183. [In Persian]
- Bahrami Rahnema, Khadija. (2024). "Textual Coherence Elements in Mantiq al-Tayr Based on the Views of Hallidi and Hassan", Research Journal of Literary Texts of the Iraqi Period, Vol. 5(1), pp. 43-17. [In Persian]
- Hosseini, Sabah; Ghoshti, Mohammad Ali and Sheibani Aghdam, Ashraf. (2023). "A Study of the Layered Stylistics of Aref Sanandji's Poems", Baharestan Sokhan, Vol. 62, pp. 52-29. [In Persian]
- Hamidi, Seyyed Jafar and Shahbazi, Mohammad Reza. (2018). "The Layered Stylistics of the Novel Hasti by Farhad Hassan-Zadeh", Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkoda), Vol. 38, pp. 58-41. [In Persian]

- Zarini, Ali and Taheri, Hamid. (2022). "Stylistics of Syntactic Layer in the Story of Samak Ayyar", Literary Textual Studies, Volume 26, No. 91, pp. 313-289. [In Persian]
- Sabzi, Hossein and Sadeghi, Mahmoud. (2024). "Analysis and Study of the Style of the Manuscripts of the Khutbah with a Layered Stylistic Approach", Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar Adab), Vol. 18, pp. 176-151. [In Persian]
- Shamisa, Sirous. (1997). Stylistics of Poetry, Tehran: Ferdows. [In Persian]
- Shamisa, Sirous. (2001). Generalities of Stylistics, Tehran: Ferdows. [In Persian]
- Arab Ameri, Fatemeh; Hassanzadeh Mirali, Abdollah and Shokri, Yadoleh. (2021). Analysis and Study of Hamidi's Authorities with a Layered Stylistic Approach. Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar Adab), 14(10 (68th issue), 217-240. [In Persian]
- Fotohi, Mahmoud. (2011). Stylistics of Theories, Approaches and Methods, Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Kouchakzadeh, Moghaddaseh; Ghanipour Malekshah, Ahmad; Bagheri Khalili, Ali Akbar and Rezvanian, Qodsiyeh. (2022). Layered Stylistics of Tazkirat al-Awliya Attar in Three Lexical, Syntactic and Rhetorical Layers. Kawsahnameh Zaban va Laddab Farsi, 23(54), 47-89. [In Persian]
- Goodarzi, Masoumeh and Tajbakhsh, Ismail (2024) "Layered Stylistics of Divan Monsef Qajar", Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar Adab), Vol. 17, No. 12, pp. 234-207. [In Persian]
- Mohseninia, Naser and Ali Naghi, Hossein. (2020). "Stylistics of the Phonetic Layer of Kamal-eddin Esmaeil and Athir Omani's Poems, Based on Layered Stylistics", Literary Textual Studies, Vol. 83, pp. 333-297. [In Persian]
- Mohammadi Afshar, Houshang and Shayanmehr, Kobra. (2017). "Stylistics of the Collection of Qaysar Aminpour's Poems", Patab-e Paydaree, Vol. 16, pp. 281-259. [In Persian]
- Mozaffari Saghand, Elham and Ghaemi, Farzad (2017). "Stylistical Analysis of Ideological Markers in Abdol Razzaq Donbali's Homayunnameh", Kawsnameh Zaban and Literature of Persian, Vol. 55, pp. 94-63. [In Persian]
- Rumi, Jalal-eddin. (2000). Masnavi Manawi, with the Efforts and Efforts of Reynold Elaine Nicholson, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Mohajer, Mehran and Nabavi, Mohammad (2014). Towards the Linguistics of Poetry, Tehran: Agh. [In Persian]
- Mirzaei, Vahid et al. (2021) "Investigation of Coherence in the Syntactic Structure of Resistance Poetry", Critique of Contemporary Arabic Literature, Vol. 12 (24th issue), pp. 184-165. [In Persian]
- Vahidian Kamyar, Taghi (2007) Persian Grammar (1), Tehran: Samt. [In Persian]

فهرست منابع فارسی

- اثنی عشری کهنوجی، فهیمه؛ رخشانی، انیس و سلیم‌نژاد، پریسا. (۱۳۹۹). «بررسی انسجام زبانی (ارجاع، حذف و جایگزینی) برا ساس نظریه هلیدی و رقیه حسن در داستان آ شغالدونی غلام حسین ساعدی»، دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، صص ۶۵-۵۷.

- اسدی، سمیه و علی‌زاده، ناصر. (۱۳۹۶). «ساختار نحوی معارف بهاء‌ولد، بر اساس الگوی سبک‌شناسی لایه‌ای»، متن‌شناسی ادب فارسی، ش ۴ (پیاپی ۳۶)، صص ۲۱-۱.
- اکبری، منوچهر و صادقی، عمران. (۱۳۹۸). «سبک‌شناسی لایه‌ای داستان «پرسه در خاک غریبه» احمد دهقانی»، ادبیات پایداری، ش ۲۱، صص ۵۴-۲۷.
- البرزی، پرویز. (۱۳۸۶). مبانی زبان‌شناسی متن، تهران: امیرکبیر.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۶). سبک‌شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی)، تهران: زوار.
- بهرامی رهنما، خدیجه. (۱۴۰۲). «ساخت مبتدایی در منطق‌الطیر»، پژوهش‌های دستوری و بلاغی، ش ۲۳، صص ۲۰۳-۱۸۳.
- بهرامی رهنما، خدیجه. (۱۴۰۳). «عناصر انسجام‌ساز متنی در منطق‌الطیر بر اساس آرای هلیدی و حسن»، پژوهشنامه متون ادبی دوره عراقی، ش ۵(۱)، صص ۴۳-۱۷.
- حسینی، صباح؛ گذشتی، محمدعلی و شیبانی اقدم، اشرف. (۱۴۰۲). «بررسی سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار عارف سنندجی»، بهارستان سخن، ش ۶۲، صص ۵۲-۲۹.
- حمیدی، سیدجعفر و شهبازی، محمدرضا. (۱۳۹۷). «سبک‌شناسی لایه‌ای رمان هستی از فرهاد حسن‌زاده»، تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ش ۳۸، صص ۵۸-۴۱.
- زرینی، علی و طاهری، حمید. (۱۴۰۱). «سبک‌شناسی لایه‌ای نحوی در داستان سمک عیار»، متن‌پژوهی ادبی، دوره ۲۶، ش ۹۱، صص ۳۱۳-۲۸۹.
- سبزی، حسین و صادقی، محمود. (۱۴۰۴). «تحلیل و بررسی سبکی نسخ خطی خُطَب با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س ۱۸، صص ۱۷۶-۱۵۱.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). سبک‌شناسی شعر، تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۰). کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس.
- عرب عامری، فاطمه؛ حسن‌زاده میرعلی، عبدالله و شکری، یداله. (۱۴۰۰). تحلیل و بررسی مقامات حمیدی با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۱۴ (۱۰ پیاپی ۶۸)، ۲۱۷-۲۴۰.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- کوچک‌زاده، مقدسه؛ غنی‌پور ملک‌شاه، احمد؛ باقری خلیلی، علی‌اکبر و رضوانیان، قدسیه. (۱۴۰۱). سبک‌شناسی لایه‌ای تذکرة الاولیاء عطار در سه لایه واژگانی، نحوی و بلاغی. کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، ۲۳(۵۴)، ۴۷-۸۹.
- گودرزی، معصومه و تاج‌بخش، اسماعیل. (۱۴۰۳). «سبک‌شناسی لایه‌ای دیوان منصف قاجار»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س ۱۷، ش ۱۲، صص ۲۳۴-۲۰۷.
- محسنی‌نیا، ناصر و علی‌نقی، حسین. (۱۳۹۹). «سبک‌شناسی لایه‌آوایی اشعار کمال‌الدین اسماعیل و اثیر اومانی، بر اساس سبک‌شناسی لایه‌ای»، متن‌پژوهی ادبی، ش ۸۳، صص ۳۳۳-۲۹۷.
- محمدی‌افشار، هوشنگ و شایان‌مهر، کبرا. (۱۳۹۶). «سبک‌شناسی لایه‌ای مجموعه اشعار قیصر امین‌پور»، ادبیات پایداری، ش ۱۶، صص ۲۸۱-۲۵۹.

مظفری‌ساغند، الهام و قائمی، فرزاد (۱۴۰۱) «تحلیل سبک‌شناختی نشان‌دارهای ایدئولوژیک در همایون‌نامه عبدالرزاق دنبلی»، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، ش ۵۵، صص ۹۴-۶۳.

مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۷۹). مثنوی معنوی، به سعی و اهتمام رینولد الین نیکلسون، تهران: امیرکبیر.

مهاجر، مهران و نبوی، محمد (۱۳۹۳) به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران: آگه.

میرزایی، وحید و همکاران (۱۴۰۰) «بررسی انسجام در ساختار نحوی شعر مقاومت»، نقد ادب معاصر عربی، س ۱۲ (پیاپی ۲۴)، صص ۱۸۴-۱۶۵.

وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۶) دستور زبان فارسی (۱)، تهران: سمت.

معرفی نویسندگان

مسیب شفیع‌کیا: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: m.shafiekia@iau.ir)
(ORCID: 0009-0006-8990-5419)

خدیجه بهرامی رهنما: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: kh.bahramirahnama@iau.ac.ir : نویسنده مسئول)
(ORCID: 0000-0003-3960-105X)

مریم یوزباشی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: Youzbashi.maryam@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0003-0728-1987)

زهره نورایی‌نیا: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: z.noorae@iau.ac.ir)
(ORCID: 0009-0005-0907-1432)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mosayeb Shafieikia: Department of Persian Language and Literature, Y.I.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: m.shafiekia@iau.ir)
(ORCID: 0009-0006-8990-5419)

Khadijeh Bahrami Kia*: Department of Persian Language and Literature, Y.I.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Email: kh.bahramirahnama@iau.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: 0000-0003-3960-105X)

Maryam Youzbashi: Department of Persian Language and Literature, Y.I.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Email: Youzbashi.maryam@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0003-0728-1987)

Zohreh Noraei nia: Department of Persian Language and Literature, Y.I.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: z.noorae@iau.ac.ir)
(ORCID: 0009-0005-0907-1432)